



سؤالات اساسی جنگ، کلیشه یا ناگفته؟

تاریخ مشتاق «انسان»‌های جنگ است

■ **علیرضا محمدی**

در آستانه آغاز گر امیدداشت هفته دفاع مقدس به حتم یار دیگر شاهد خلق مطالبی خواهیم بود که با عنوان «ناگفته‌های جنگ» (عموماً از آن سوی مرزها) فضای رسانه‌ای کشورمان را به اشغال خود در می‌آورند. می‌گویم اشغال چرا که برخی از چهره‌ها و رسانه‌های داخلی، توجه بیش از حدی به چنین مطالبی روا می‌دارند. انگار که کسی باید از لندن برای جنگی که همگی دیدیم چه در آن گذشت و چه اتفاق‌ها افتاد، تعیین تکلیف کند. قطعاً جنگ تحمیلی عراق علیه ایران مانند هر واقعه تاریخی دیگری مملو از گفته و ناگفته‌های بسیاری است. همین که خطرات یک شهید تماماً عنوان نشده، یک کور ناگفته است. طور دیگرش هم همان به اصطلاح رمزگشایی از برخی رویدادهای اساسی است که به جامعه یاد داده شده است ذهن خود را درگیر آن کند! این دسته از ناگفته‌ها روی چند سؤال اصلی سوار هستند. سؤال هایی که از فرط تکرار به کلیشه تبدیل شده‌اند.

آیا شروع جنگ اجتناب‌ناپذیر بود؟ آیا بعد از فتح خرمشهر نمی‌شد جنگ را تمام کرد؟ چرا جنگ اینقدر طول کشید؟ در پایان ما برنده شدیم یا بازنده و اصلاً چرا امام تعبیر جام زهر را بیان کرد؟ ظاهراً اینها سؤالات اساسی هستند. لایه‌لایش ماجراهایی چون قضیه مک‌فارلین هم پیش می‌آید که پیچیده‌تر است و با برخی اصول مطرح شده در انقلاب همخوانی نداد.

این سؤالات اساسی و آن ماجرای کذایی (مک‌فارلین) بارها در داخل کشورمان مورد بحث قرار گرفته‌اند. یک وقت ساخت مستند هم روحانی هشتم دوباره ماجرای مک‌فارلین را بر سر زبان‌ها انداخت و از مرحوم هاشمی گرفته تا چهره‌های این طرخی و آن طرفی در این خصوص ابراز نظر کردند. صرف‌نظر از نتیجه مباحث که موضوع این یادداشت

نیست، تقریباً می‌توان گفت قضیه مک‌فارلین بسیاری از ناگفته‌های خود را گفته شده دید.

در خصوص سؤالات اساسی جنگ هم چندین سال پیش محمد درودیان از راویان و کارشناسان جنگ، چند کتاب مفصل با سرفصل و عنوان خاص هر سؤال نوشت. یعنی هر کدام از سؤالات ذکر شده (علل تداوم جنگ، روند پایان جنگ و...) عنوان یک کتاب شدند و روی آنها بحث شد. کار درودیان تنها یک اثر در این زمینه نبود، کتاب‌های متعدد دیگری نیز از نویسندگان دیگر به چاپ رسیده که ریزه کاری‌های جنگ را مطرح می‌سازند. به عنوان

نمونه دستنوشته‌های سردار شهید حسن باقری (غلامحسین افشردی) خیلی صریح روی بعضی از اختلافات سلیقه‌ای در جبهه‌ها صحبت به میان می‌آورد. یادمان نرفته آن سکانس معروف مستند «خرین روزهای زمستان» را که صدای حسن باقری می‌گوید: «به فرمانده گردان می‌گویم از معبر عبور کنید، می‌گوید داوطلب می‌خواهیم برای رفتن روی میدان مین»؛ خیلی از شخصیت‌های سیاسی داخل کشور نیز در بین بحث‌های خود حقایق را مطرح ساخته‌اند که هیچ کجای پنهان نمی‌توان چنین صراحت کلامی را در بین شخصیت‌های

سیاسی‌شان یافت. سلسله بحث‌های هاشمی و محسن رضایی از دهه ۸۰ شروع شد و تا دهه ۹۰ کشید. ظاهر ا قضیه سر نامه محسن رضایی به امام و تأمین مایحتاج جنگ در اواخر دفاع مقدس بود؛ موضوعی که خیلی از اسناد و ناگفته‌ها را رو کرد. همین محمد درودیان با یکی از چهره‌های جریانی سیاسی که سرمدار اصلی طرح سؤال چرایی تداوم جنگ بعد از فتح خرمشهر بود، سلسله مباحثی داشت. درودیان یک طرف و مرحوم ابراهیم یزدی در طرف دیگر. رک و راست در سایت تاریخ ایرانی خیلی از حرف‌ها را به هم زدند و آخرش مشخص

گزارش «جوان» از دلدادگی یکی از قدیمی ترین روستاهای کردستان به نظام اسلامی ۴۱ شهید پایگلان، سندی بر اتحاد اقوام ایرانی است

■ **همراه انقلاب**

روستای پایگلان تا ۱۰ سال پیش دارای ۳۵۰۰ نفر جمعیت بود. از این حیث بیشتر به یک شهرک می‌ماند تا روستا، اما به دلیل مهاجرت، اکنون رشد منفی داشته و جمعیت آن حدود ۱۶۰۰ نفر است. مردم روستای پایگلان با چنان پیشینه دینی محکمی، از اولین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی به



احمد استاد و ملا مصطفی بیسارانی در این دیار به تربیت طلاب علوم دینی مشغول بوده‌اند. تا ۴۰ سال قبل نیز روستای پایگلان دارای یکی از حوزه‌های علمیه شاخص و فعال بوده است. با چنین پیشینه‌ای اغلب اهالی پایگلان تحصیلکرده و از علما، پزشکان، مهندسان، اساتید و دبیران استان کُردستان هستند.

طراح:علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۴۷۱

از راست به چپ

■ ۱- مرتفع ترین اهرام مصر- زمانی شاهراه ارتباطی چین و غرب آسیا بود ■ ۲- روبیدن و رشد کردن -افزایش بی‌رویه و مداوم سطح قیمت‌ها- پرچم ■ ۳- راندن مزاحم- کاریز- واحد شمارش پل- اسب تیریزی ■ ۴- ایمان و عقیده- فرق سر- متضاد اصل ■ ۵- بند گرگ که قدمتی بیش از ۱۷۰۰ سال دارد در این شهر خوزستان واقع شده است- از لوازم التحریر- درجه نظامی محمدتقی‌خان پسیان ■ ۶- کشف رازی- درخت مسواک- ترویج‌دهنده ■ ۷- لیلیت، ورقه جواز- تپه و پشته- ماهر و کاردان ■ ۸- گشوده- فوتوگراف- مسابقه با وسایل موتور- بنده و شما ■ ۹- از پرندگان بی‌پرواز- دختر کارتونی- کنار نیمکت ■ ۱۰- از نخست‌وزیران هند- لوله گیاهی- شیپور بزرگ ■ ۱۱- جهان باقی- تحریک‌کردن- یکی از ده فیلم برتر تاریخ سینما ■ ۱۲- واحد شعر- ایمنی آن برای راکب موتور ■ ۱۳- فرمان خردور- ممتد و طولانی- شهری در خراسان رضوی- عضو بالاتشین ■ ۱۴- ادیب-نوبل برده ۱۹۹۵- محلی برای عزاداری- گناه و خطا ■ ۱۵- کوچک‌ترین اقیانوس- صحرانشین و بیابانگرد

از بالا به پایین

■ ۱- این دانشگاه ایران در زمان ساسانیان به اوج شهرت رسیده بود- پافشاری کردن ■ ۲- دندان تیز جانوران درنده- مخترع پیل الکتریکی- نهال خرما ■ ۳- باری محلی- واحدی برای خرید و فروش نفت- آواز- راست و مستقیم ■ ۴- جانی- فرزندان؛ اولاد- زمین به امید باران ■ ۵- محل پخت آجر و نان- دارای شیوه عمل فردی- اسب حنایی رنگ ■ ۶- همسایگی- دردها- ناپاکی ■ ۷- هنر فرنگی- خیس- مقدمه و دیباچه ■ ۸- در مثل غنیمت است- از جاده‌های کوهستانی و برفگیر کشور- انگور نارس- حرف فاصله ■ ۹- از صور فلکی نیمکره شمالی- رمق آخر- ستون عرشه کشتی ■ ۱۰- عامل گروه‌های خونی- واحد ورزش تکواندو- پدیدار ■ ۱۱- محل ذخیره آندوخته دنیوی- دلیل آورده‌شده- قطعات کاغذ و مقوا که روی آن چیزی نوشته باشند ■ ۱۲- شش- احزاب برای به دست آوردن آن در مجلس تلاش می‌کنند- برده مونث ■ ۱۳- هنوز انگلیسی- از آلات موسیقی- داروی زخم- پدر پدر ■ ۱۴- چیدمان بازیکنان یک تیم- بهشت- درخت مخروطی شکل ■ ۱۵- شعله‌ور- تعریف از کالا برای فروختن آن

جمله‌شدهای این روستا هستند.

■ **خانواده بختیاری**

پایگلان از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون رزمندگان بسیاری را معرفی کرده است. هم اکنون نیز دارای مجاهدانی است که مقابل توطئه‌های اخیر ضدانقلاب قلم می‌کنند. خانواده بختیاری که برابر دشمنان انقلاب اسلامی صف آرایی و در این راه شهدای بسیاری نیز تقدیم کردند. این روستا به

کدامی اعضای آن رزمنده‌اند.

مرحوم کاک ولی امینی پدر شهیدان بختیار و محمدصادق امینی، زاده روستای پایگلان است. او که در دهه ۳۰ به شهرستان سنندج مهاجرت کرده و در محله قطار چیان ساکن شده بود، از فعالان انقلابی کردستان به شمار می‌رفت. همسرش جیران حسامی علاوه بر اینکه مادر دو شهید است، برادران رزمنده‌ای هم داشت. برادر کوچک‌ترش مرحوم حسین حسامی هم خودش از رزمندگان دفاع مقدس بود و هم پدر شهید جلال حسامی است.

کاک ولی پدر شهیدان امینی در دوران انقلاب همراه فرزند بزرگش شهید محمدصادق امینی مرتب در راهپیمایی‌های علیه رژیم شاه فعالیت چشمگیری داشت. بعد از پیروزی انقلاب نیز امینی‌ها همگی لباس رزم پوشیدند. کاک ولی از پاسداران انقلاب اسلامی شد و پسرانش را نیز با خود همراه کرد. نهایتاً در این مسیر بختیار و محمدصادق امینی به شهادت رسیدند و به اسمان ستارگان پایگلان پیوستند.

گفت‌وگو



گفت‌وگوی «جوان» با پدر و مادر شهید صفت‌الله مقدم

راه و رسم شهادت را صفت‌الله به برادر کوچک‌ترش آموخت

هوله بخرد، جمع می‌کرد کتاب می‌خرد. حتی پیاده به مدرسه‌اش می‌رفت و پیاده می‌آمد تا پول هایش را جمع کند. همین آگاهی باعث شد از جوان‌های انقلابی محله شود و بعد از پیروزی انقلاب هم در سپاه مشغول خدمت گردد.

■ **بیشکسوت جهاد**

شهید صفت‌الله مقدم از پیشکوتان عرصه دفاع مقدس بود. این را از حرف‌های پدر و مادر شهید می‌فهمیم و با حساب سنش که ابتدای جنگ ۲۰ سال داشت، می‌توان حدس زد که از اولین روزهای جنگ در جبهه‌ها حضور یافته بود. مادر شهید می‌گوید: پسررم جزو اولین

جوان‌هایی بود که به جبهه اعزام شد. حتی قبل از جنگ در کردستان حضور یافته بود و با ضد انقلاب می‌جنگید. دو سال تمام در کردستان ماند و فقط گاهی به مرخصی می‌آمد. بعد از دو سال فکر کردیم دیگه به جبهه نمی‌رود. گویا تازه گفت‌وگو می‌کنم تا راحت‌تر باشند. پدرشهید از اینکه یک هم‌زبان از آنها مصاحبه می‌گیرد، خوشحال است. می‌گوید: جمع سسن هر دو

پسرم به ۴۰ سال نمی‌رسید. جواد تنها ۱۷ سال داشت که در شلمچه مفقود شد و صفت‌الله هم در ۲۲ سالگی به شهادت رسید. پدر شهید ادامه می‌دهد: پسرم دوستی داشت به اسم ناصر کاظمی که خیلی به هم علاقه داشتند. عجیب است که این دو نفر با فاصله یک ساعت از هم شهید شدند. انگار دوری هم را تحمل نمی‌کردند. البته پسرم اهل این نبود که بگوید در ابتدای سنین جولی شهید شدند، روی تلپچه نگامان می‌کنند. مادر می‌گوید: صفت‌الله فرزند بزرگ خانواده بود. سال ۱۳۳۹ به دنیا آمد و سال ۶۱ هم شهید شد. اگر الان می‌ماند ۵۸ سال داشت. به حتم برای خودش خانواده تشکیل داده بود و سری در سرا‌ها درآورده بود. صفت‌الله دانش‌آموز تیزهوشی بود و دو کلاس درسی‌اش را طی یک سال خواند. مطمئنم اگر می‌ماند الان از نظر تحصیلات، رتبه بالایی داشت.

پدر شهید در تکمیل صحبت‌های همسرش می‌گوید: این پسر علاقه عجیبی به کتاب خواندن داشت. پول توجیبی هایش را عوض اینکه هله و هله خرج می‌کرد، کتاب می‌خرید. پدر شهید می‌پرسد ما این همه حضورش در جبهه مجروح هم شده بود؟ می‌گوید: بله بارها مجروح شده بود. ماجرای شهادتش هم اینگونه بود که رفته بود یکی از دوستانش را نجات بدهد که گلوله قناسه دشمن به گردنش می‌خورد و به شهادت می‌رسد. سال ۶۱ بود که خبر شهادتش را آوردند. اول به همسر گفته بودند و او هم این خبر را به من داد. صفت‌الله اولین فرزندمان بود. وقت دنیا آمدنش خیلی ذوق داشتیم. وقتی خبر شهادتش را شنیدم، تمام خاطرات کودکی‌اش مثل فیلم از جلوی چشم‌هایم عبور کرد.

با وجود اینکه ۳۶ سال از شهادت صفت‌الله گذشته است، هر وقت صحبت از شهادت به میان می‌آید، مادر شهید بغض می‌کند. دیگر نمی‌تواند حرف بزند و پدر شهید می‌گوید: صفت‌الله از همان کودکی‌اش به فکر افراد نیازمند بود. با دو چرخ خمدان می‌رفت نان می‌گرفت و به سرباز‌ها می‌داد. می‌گفتم چرا نمی‌به خانه روستا چرا خرج دیگران می‌کنی؟ می‌گفت این سرباز‌ها غریب هستند و نمی‌خواهم احساس غربت کنند. همین رفتار هایش باعث شد تا دیگر بچه‌هایم نیز از برادر بزرگ‌ترشان راه و رسم معرفت و مردانگی را یاد بگیرند. پسر دیگرم جواد هم دنبال صفت‌الله رفت و او هم در سال ۶۵ در شلمچه آسمانی شد.



پسرم دوستی داشت به اسم ناصر کاظمی که خیلی به هم علاقه داشتند. عجیب است که این دو نفر با فاصله یک ساعت از هم شهید شدند. انگار دوری هم را تحمل نمی‌کردند. البته پسرم اهل این نبود که بگوید حتما شهید می‌شوم. می‌گفت می‌جنگم اگر پیروز و محمدصادق امینی به شهادت رسیدند و به اسمان ستارگان پایگلان پیوستند.

جدول سودوگو

ارقام ۹ تا ۹ راطوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کارروند.

جدول کلمات متقاطع

■ پاسخ جدول شماره ۵۴۷۰

۸	۳	۱			
۷	۳				۲
		۶	۷		
			۸		۴
		۹			۵
			۶		
۴		۱	۹		
۹	۲	۷			۳

۸	۳	۱	۷	۵	۶	۲	۴	۹	۸
۷	۳	۱	۷	۵	۶	۲	۴	۹	۸
۵	۳	۱	۷	۵	۶	۲	۴	۹	۸
۷	۳	۱	۷	۵	۶	۲	۴	۹	۸
۵	۳	۱	۷	۵	۶	۲	۴	۹	۸
۷	۳	۱	۷	۵	۶	۲	۴	۹	۸
۵	۳	۱	۷	۵	۶	۲	۴	۹	۸
۷	۳	۱	۷	۵	۶	۲	۴	۹	۸
۵	۳	۱	۷	۵	۶	۲	۴	۹	۸
۷	۳	۱	۷	۵	۶	۲	۴	۹	۸